

کارگاه هنر خلاق

فریمه تابعی

کارشناس هنر کودک و نوجوان

اشاره
 نبود رویکردهای جدید به دنیای کودکان و نوجوانان از نارسایی‌های فرهنگی و ناهماهنگی‌های جامعه آموزشی ماست. نداشتن شناخت از ضرورت آموزش هنر و همچنین فقدان شناخت کافی در مورد ارتباط رشد روانی-عاطفی کودکان با هنر و تأثیرات مختلف فعالیت‌های هنری در رشد آنها باعث شده است که از قابلیت‌های هنر برای رشد و توسعه توانمندی‌های کودکان و نوجوانان - که می‌تواند به رفع مشکلات رفتاری و روانی آنها بینجامد - غفلت کنیم. از طرفی، هدف‌های آموزش هنر کودک و نوجوان در برنامه‌سازمان‌های مسئول و ذی‌ربط نامشخص است. بسیاری



از مؤسسات خصوصى و غيرانتفاعى به تشریفات مى‌پردازند و جنبه تجارى برايشان اهميت بيشتري دارد. از سوى ديگر، چون در مناطق محروم و حتى مدارس دولتي امکانات كافي وجود ندارد، كلاس‌هاى هنر تعطيل مى‌شوند يا در اختيار دروس ديگر و آزمون‌هاى مختلف قرار مى‌گيرند. اکنون زمان آن رسیده است که الگوهای متعدد آموزش نوین ابداع و برنامه‌ریزی شود؛ به طوری که کودک و نوجوان بهترین جایگاه را در آن داشته باشند. در آموزش نوین از تمامی زمینه‌های غنی فرهنگی، هنری، تاریخی سرزمین خودمان و سایر فرهنگ‌ها استفاده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی، مشارکت، خلاقیت، هنر

من در زمینه آموزش شیوه‌های هنر با کودکان و نوجوانان مطابق با شرایط سنی و نیازهای آنان برنامه‌ریزی می‌کنم و تمام هنرجویان را در برنامه‌های آموزشی به مشارکت دعوت می‌کنم؛ مشارکتی زنده برخاسته از فکر و ذوق آنان. پرورش قدرت تخیل هنرجویان بسیار برایم اهمیت دارد و

برای رسیدن به این مسئله، از شگردهای زیادی استفاده می‌کنم. همچنین، تقویت حواس پنج‌گانه و توانایی‌های فیزیکی و حسی و حرکتی کودکان را در اولویت‌های آموزش خود قرار می‌دهم.

کودکان را با فرهنگ بومی سرزمینمان و علوم و نجوم و شگفتی‌های طبیعت آشنا می‌سازم و آن‌ها را به این باور می‌رسانم که کاری که انجام می‌دهند، خیلی مهم است. آن‌ها در هر جلسه مطلب و تکنیک تازه‌ای را کار می‌کنند، هر ماه دریچه‌ای را به ادبیات برايشان باز می‌کنم و حکایتی را با نمایش و ریتم برايشان نمایش می‌دهم. آن‌ها عناصر داستان را تصویر می‌کنند و گاهی به طرق مختلف، حجم‌سازی و چاپ‌های دستی انجام می‌دهند.

آن‌ها با تخیل گسترده ایده‌پردازی می‌کنند و همچنان می‌آفرینند و من برای پرورش قوه تخیل آن‌ها از شیوه‌های بی‌شماری استفاده می‌کنم که مجال بیان آن‌ها در اینجا نیست.

به‌طور کلی، نتایج مفیدی از فعالیت‌های هنری برای کودکان و نوجوانان به دست می‌آید؛ مانند امکان برون‌ریزی و تخلیه، گسترش تخیل، نزدیکی کودک به احساس

خود، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری، رشد استقلال فکری و عاطفی و مهارت‌های مختلف، شناخت وسایل و ابزار و امکانات کار و کاربرد آن‌ها... در جریان کار نیز کودک از کشف و شهودی که می‌کند، لذت می‌برد.

از این‌رو ما به آموزش هنر برای پرورش انسان‌های کامل و رشدیافته نیازمندیم. کودکان و نوجوانان با اشتغال به فعالیت‌های هنری توانمند می‌شوند و مهارت‌های لازم را به دست می‌آورند. توانمندی‌ها به آن‌ها اعتمادبه‌نفس و عزت می‌بخشند. آن‌ها با اعتمادبه‌نفس تبحر و شایستگی، لیاقت و شادکامی به دست می‌آورند و شخصیت و خودباوری‌شان رشد می‌کند.

برای تحقق بخشیدن به اهداف آموزش هنر می‌توان از طریق ایجاد هنرستان‌های تخصصی تجسمی، دانش‌ها، مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های هنری کودکان و نوجوانان را در دستور کار نظام آموزشی کشور قرار داد و همسو با آن، آموزش مربیان خلاق و ماهر را اولویت برنامه آموزشی دانست؛ زیرا مربیان ما زمانی پرتوان، با انگیزه و شایسته خواهند بود که بتوانند از خلاقیت و نبوغ خود با مهارت تمام استفاده کنند.

